

مصونیت

مترجم: سید محمد هادی راجی
منبع: www.damocles.org



«تعقیب عاملان جرائم» نمی تواند تسلیم «اصل مصونیت نمایندگان کشورها» باشد. به علاوه، این اصول توسط اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸-م) تکرار شده است. ماده ۲۷: «این اساسنامه، بطور یکسان و بدون هیچ تفاوت ناشی از موقعیت و مقام رسمی، اجرا می شود. مخصوصاً رئیس کشور یا دولت، عضو دولت یا مجلس، نماینده منتخب یا کارگزار یک کشور، در هیچ موردی از مسئولیت کیفری نسبت به این اساسنامه معاف نیستند و موقعیت شغلی آنان - هر چه باشد - از اسباب تخفیف مجازات نخواهد بود. مصونیت ها و قواعد دادرسی ویژه که می تواند بر اساس حقوق داخلی یا حقوق بین الملل به موقعیت شغلی شخص ضمیمه شود، دیوان را از اعمال صلاحیت در مورد این شخص، باز نمی دارد.»

۲۵ نوامبر ۱۹۹۸، چند ماه پس از تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ و در زمان مطرح شدن پرونده پینوشه، مجلس لژدها (انگلیس) اعلام کرد که اصل مصونیت که می توانست یک رئیس کشور را غالب کند، در برابر جرائم علیه بشریت متروک شده است. در این باره «لژ نیکول» اعلام کرد: «قانون بین المللی به روشنی نشان می دهد که برخی شیوه های رفتاری در شکنجه و گروگان گیری - از طرف هرکس که باشد - پذیرفته نیست. این مورد برای رؤسای کشورها و دیگر افراد، به همین نحو اجرا می شود. خواسته های مخالف با این امر، به سخره گرفتن قانون بین المللی است.» این ایده در ۲۴ مارس ۱۹۹۹ در مجلس لژدها تصویب شد. مرزها دیگر نمی توانند بهانه ای برای ارتکاب جرم و پناهگاهی برای مجرمین باشند.

همچنین باید یادآور شد که در ۲۴ می ۱۹۹۹ آقای اسلوبودان میلو سویچ رئیس جمهور فدرال یوگوسلاوی به همراه چهار مسئول بلند پایه کشوری و نظامی، توسط دادگاه کیفری بین المللی یوگوسلاوی سابق، در معرض اتهام قرار گرفتند و همزمان علیه آنها کیفرخواست بین المللی صادر شد. سپس آقای میلو سویچ

رویه بین المللی «آزادی تردد در میان کشورها» و در نتیجه عدم مجازات رؤسای کشورها در زمانی که دارای مسئولیت دولتی هستند، به حدی شگفت آور و تعجب انگیز است که بسیاری از اسناد بین المللی در زمینه حقوق بشر (برعکس آنچه گفته شد) به مسئولیت مشخص جزائی برای عاملان نقض شدید حقوق بشر - فارغ از مقام رسمی آنها - اختصاص یافته است. در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره کرد: معاهده ورسای^۱ (۲۸ ژوئن ۱۹۱۹)، اساسنامه دادگاه نظامی نورمبرگ^۲ (اصول این اساسنامه توسط مجمع عمومی سازمان ملل تهیه شده است)، اساسنامه دادگاه بین المللی نظامی توکیو^۳، ماده ۴ کنوانسیون جلوگیری و پیشگیری از جرم نسل کشی^۴ (۹ دسامبر ۱۹۴۸)، اساسنامه دو دادگاه ویژه یوگوسلاوی سابق^۵ (مواد ۱۲ الی ۷) و رواندا^۶ (مواد ۱۲ الی ۶) - دو مورد اخیر برای اجرای اصل عدم مصونیت رئیس کشور در دوره مسئولیتش و مخصوصاً در مورد پرونده «اسلوبودان میلو سویچ» پدید آمده اند - در همین زمینه میتوان از اعلامیه حمایت از تمامی افراد در برابر «ناپدید شدن اجباری»^۷ نیز یاد کرد.^۸ هر چند این اعلامیه الزام حقوقی ندارد ولی با این حال به تحول حقوق بین الملل در زمینه مسئولیت کیفری مسئولین دولتی اختصاص دارد و مجرمان جرائم بزرگ در حوزه حقوق بشر را تسلیم می نماید.

اساسنامه دادگاه نظامی بین المللی نورمبرگ تصریح می کند: «حمایتی که حقوق بین الملل برای نمایندگان کشورها تضمین می کند، در مورد اعمال جنایی اعمال نخواهد شد و عاملین این اعمال نمی توانند برای نجات از دادرسی معمول و برای مصون ماندن از مجازات به مقام رسمی و موقعیت شغلی خود متوسل شوند.» (اول اکتبر ۱۹۴۶) اساسنامه دادگاه نورمبرگ در این باره اهمیت ویژه ای دارد، چرا که به عنوان پدیدآورنده قواعد عرفی شناخته می شود. دکترین نیز در مجموع می پذیرد که عرف بین المللی به عنوان یک منبع حقوق بین الملل، جزئی از حقوق بین الملل عمومی است. در نتیجه در حقوق بین الملل،

مصونیت در حقوق فرانسه

زمانی که آئین دادرسی فرانسه در مورد رؤسای کشورهای خارجی که در سرزمین فرانسه تردد می کردند، اعمال می شد، دادسرا معمولاً با الزامی اخلاقی روبرو بود که براساس آن «دستبند زدن به مقامات رسمی خارجی که با دعوت کشور فرانسه به خاک این دولت قدم گذارده اند، صحیح نیست.»

در همین راستا، دیوان عالی (پاریس) در رأی موسوم به khadafi در ماه مارس ۲۰۰۱ اظهار داشت: «جرم آشکار هر چند که جرم عظیمی باشد، استثنایی بر اصل مصونیت قضائی رؤسای کشورهای خارجی در دوره مسئولیتشان وارد نمی آورد.» این رأی در ادامه می افزاید: «عرف بین المللی با این مسأله مخالف است که رؤسای کشورها را در دوره مسئولیتشان بتوان - در نبود ترتیبات بین المللی معارض که مورد قبول کشورهای مربوطه است - مورد تعقیب دستگاههای قضائی داخلی قرار داد.» این رأی - که بسیار مورد اعتراض و بحث قرار گرفته است - مخصوصاً در تحلیل خود از عرف بین المللی، بدون شک در مراعات آینده که رؤسای کشورهای خارجی توسط قاضی فرانسوی مورد اتهام قرار گیرد، استفاده خواهد شد و بدون تردید ضربه مهلکی برای قربانیان است، چرا که از این پس، مشکلات فراوانی را در جهت احقاق حقوق خود خواهند داشت.

مصونیت در حقوق بین الملل

از زمان های قدیم یک رویه بین المللی - که هنوز هم رایج است - مصونیت کلی رؤسای کشورها را در دوره مسئولیتشان به رسمیت می شناسد. از اینجا درمی یابیم که چرا دیکتاتورهای بسیار بزرگ که عاملان جنایات بسیار فجیع بودند، می توانستند بدون پاسخ دادن به اعمال خود و بدون واهمه در هر کشوری که می خواستند، به زندگی خود ادامه دهند. با این وجود، رویه روابط بین المللی در سالهای اخیر با تکیه بر متون بین المللی و عرف بین المللی، امکان تغییر اصول حاکم بر مصونیت های شامل حال عاملان جرائم بین المللی را فراهم آورده است.

بسیاری از اسناد بین المللی در زمینه حقوق بشر به مسئولیت جزائی برای عاملان نقض شدید حقوق بشر - فارغ از مقام رسمی آنها - اختصاص یافته است.

در حقوق بین الملل، «تعقیب عاملان جرائم» نمی تواند تسلیم «اصل مصونیت نمایندگان کشورها» باشد

گواه



نقد یک رأی پیرامون
اختلاس

مرزها دیگر

نمی‌توانند بهانه‌ای
برای ارتکاب جرم
و پناهگاهی برای
مجرمین باشند .

به نظر نمی‌رسد که
مصونیت شناخته
شده برای رؤسای
کشورها، در مورد
جرائم حقوق بین
الملل - مثل جنایات
جنگی، جرائم علیه
صلح و جرائم علیه
بشریت - نیز اعمال
شود

مطابق نظر دیوان
بین‌المللی
دادگستری
مصونیت رؤسا
فقط برای دوره
مسئولیتشان
خواهد بود

گواه

داخلی محاکمه نخواهد شد، حتی برای ارتکاب جرائم بین‌المللی. تنها دادگاه‌های بین‌المللی که هیچ مصونیتی در برابر آنها پذیرفته نیست، می‌توانند جهت رسیدگی به این جرائم صالح باشند. البته باید یک استثنای احتمالی را به یاد داشت و آن اینکه دادگاه‌های داخلی می‌توانند به نوبه خود براساس اساسنامه دادگاه‌های یوگوسلاوی سابق و رواندا صلاحیت خود را اعمال کنند. براین اساس اشخاص تعقیب شده فاقد مصونیت خواهند بود.

پانوشته‌ها

۱- معاهده ورسای در ماده ۲۲۷، ایراد اتهام عمومی به گیوم دوم (یکی از پادشاهان آلمان) و محاکمه او در دادگاهی ویژه را پیش بینی کرده بود. در همان ماده متفقین و متحدین از هلند درخواست کردند که امپراتور سابقش را به آنها تحویل دهد تا با رعایت حق دفاع، محاکمه شود.

۲- ماده ۷: شغل رسمی متهمین از قبیل ریاست دولت و مقام بلند پایه، نه به عنوان عامل نفوذ و نه به عنوان سبب تخفیف در مجازات پذیرفته نیست.

۳- هیچ شغل رسمی و در هیچ زمانی برای رفع مسئولیت از متهم کافی نیست. همچنین این حقیقت که متهم بنا به دستور حکومت یا یک مقام بلند پایه حکومتی مرتکب جرم شده باشد، برای رفع مسئولیت او از هیچ جرمی کافی نیست ولی ممکن است چنین شرایطی در صورت احراز توسط دادگاه، موجب تخفیف مجازات شود.

۴- ماده ۴: اشخاص مرتکب جرم نسل‌کشی یا هریک از جرائم مذکور در ماده ۳ چه حاکم و زمامدار باشند و چه کارمند و یا شخص عادی حقیقی، مجازات خواهند شد.

۵- ماده ۷ الی ۷: مقام رسمی متهم از قبیل ریاست کشور یا دولت و کارمند رده بالا، او را از مسئولیت جزائی معاف نمی‌کند و عامل تخفیف مجازات نیست.

۶- ماده ۲ الی ۶: همان

۷- disalption force

۸- ماده ۱۶/۳: با رعایت مقررات معاهده وین در مورد روابط دیپلماتیک، هیچ امتیاز دیگری اعم از مصونیت یا معافیت ویژه، در چنین پروسه ای پذیرفته نیست.

۹- دیوید - عناصر حقوق بین‌الملل عمومی - ۱۹۹۷-۱۹۹۸- انتشارات بروکسل - ص ۳۶ و ۳۷

۱۰- دیوان بین‌المللی دادگستری که مقر آن در لاهه است، اشخاص را محاکمه نمی‌کند، بلکه اختلافات میان کشورها را بررسی می‌کند.

این مصونیت عمومی است یعنی مصونیت وزیر حتی اگر اعمالی که او انجام داده جرم بین‌المللی باشد، از بین نمی‌رود. به علاوه، به نظر ضروری است که با در نظر گرفتن رأی موسوم به Yeldia تمایزی بین مصونیت در برابر دادگاه‌های بین‌المللی و دادگاه‌های داخلی قائل شویم. اگر مصونیت همیشه در برابر دادگاه‌های بین‌المللی از بین می‌رود، (رجوع کنید به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه دو دادگاه رواندا و یوگوسلاوی سابق) ولی باید در برابر دادگاه‌های داخلی رعایت شود. این امر مسلماً مشکلی جدی را برای قضات داخلی در عمل و در مورد صلاحیت عمومی ایجاد می‌کند. چرا که تمام افراد مشغول به مشاغل رسمی خواهند توانست به مصونیت مشهور! در برابر دادگاه استناد نمایند. این مسأله با مخالفت دولت‌ها روبرو شده است.

اگر دولت‌ها بپذیرند که جرائم بین‌المللی نمی‌تواند در ذیل «ایفای وظایف رؤسای کشورها» قرار گیرد، دیگر اولیاتی در مصونیت نسبت به تعقیب مؤثر در جرائم بین‌المللی نخواهند داشت.

مصونیت سیاسی:

اشخاصی که وظایف و شغل خود را در قلمرو سرزمینی دولت دیگری انجام می‌دهند، دارای مصونیت‌های شخصی یا سیاسی هستند. این مصونیت به منظور آزادی عمل و انجام وظایف به این افراد داده شده است. مصونیت سیاسی پس از اتمام زمان مأموریت ادامه نمی‌یابد.

معاهده وین (۱۸ آوریل ۱۹۶۱) مصونیت جزایی و مدنی بسیار گسترده‌ای را برای دیپلمات‌ها، برخی از افراد خانواده آنها و یا پرسنل آنها در نظر می‌گیرد. این حمایت براساس معاهده وین (۲۴ آوریل ۱۹۶۳) برای پرسنل کنسولگری نیز معتبر است. با این وجود، مصونیت گستره بسیار کمتری دارد و در مورد ارتکاب جرائم نقشی ایفا نمی‌کند. لذا ممکن است در برخی موارد، پرسنل کنسولگری که مظنون به ارتکاب جرائم بین‌المللی هستند، مورد تعقیب قرار گیرند.

طبق قاعده وقتی شرایط عادی این مصونیت فراهم باشد، هیچ مانعی نمی‌تواند جلوی بهره‌مندی اشخاص مربوطه را از مصونیت بگیرد. هیچ اصلی وجود ندارد که صلاحیت جهانی داشته باشد و از این مصونیت‌ها بکاهد و نیز هیچ جرم معینی برای استثنا از این مصونیت‌ها وجود ندارد. لذا یک دیپلمات هیچگاه در مدت انجام مأموریت خود توسط دادگاه‌های

دستگیر و به لاهه منتقل شد و اکنون مشغول پاسخ دادن به جرائمش می‌باشد. اگر بتوان پذیرفت که رئیس کشور از مصونیت قضائی و اجرائی بهره‌مندی برد، باید دانست که این مصونیت فقط در مورد اقداماتی است که در چارچوب ایفای عادی وظایف او صورت می‌گیرد و لذا نمی‌توان اعمال شکنجه، رفتارهای نادرست و جرائم بسیار گسترده بین‌المللی را مشمول این اقدامات دانست.

«دومین واندرمیس»، قاضی بلژیکی، در رأی خود در چارچوب تحقیقات بازپرسی علیه آقای آگوستو پینوشه در بلژیک و در تاریخ ۶ نوامبر ۱۹۹۸ این نکته را یادآور شد. او تأکید کرد که: «شخصی که قبلاً رئیس کشور بوده است، کماکان برای تمامی اعمال انجام شده در راستای ایفای وظایف رئیس کشور، از مصونیت برخوردار است. اگر جرمی که آقای پینوشه در حال حاضر متهم به آنهاست و به خاطر آن سرزنش و ملامت می‌شود، به اثبات برسد؛ نمی‌توان گفت که آن جرائم در چارچوب وظایفش انجام شده‌اند. این چنین جنایاتی را نمی‌توان به ایفای عادی وظایف یک رئیس کشور بازگرداند، کسی که قطعاً یکی از وظایفش تضمین امنیت شهروندان و حفاظت از آنهاست.» به علاوه، به نظر نمی‌رسد که مصونیت شناخته شده برای رؤسای کشورها، در مورد جرائم حقوق بین‌الملل - مثل جنایات جنگی، جرائم علیه صلح و جرائم علیه بشریت - نیز اعمال شود.^۹

مصونیت رئیس کشور حتی در زمان مسئولیت نیز نباید اجرا شود. چرا که اعمال مصونیت، منجر به عدم اجرای احتمالی کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایت از حقوق بشر می‌شوند و باعث می‌شود که این کنوانسیون‌ها به اعلامیه‌هایی برای اعلام نظر و بدون نیروی الزام آور و مخالف با قوانین و اصول اساسی بشریت تبدیل شود. متأسفانه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری ۱۰ در لاهه که در دعوی میان بلژیک و جمهوری دموکراتیک کنگو صادر شد، در خلاف جهت این گرایش حقوق بین‌الملل است. در حقیقت به نظر دیوان «وظایف وزیر امور خارجه آنچنان است که برای طول دوره مسئولیتش از مصونیت قضائی کیفری و مصونیت از تعرض در خارج از کشور بهره‌مندی برد.» برداشت‌ها از این جمله کوتاه متفاوت است. مطابق نظر دیوان بین‌المللی دادگستری مصونیت رؤسا فقط برای دوره مسئولیتشان خواهد بود و لذا در صورت مقتضی می‌تواند پس از پایان مسئولیتش مورد تعقیب واقع شود